



## شناسایی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران

محمد یزدی<sup>۱\*</sup>، محمد رسول سوداگر<sup>۲</sup>، یلدا دلگشائی<sup>۲</sup> و رکسانا نصیری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>گروه زمین شناسی دانشگاه شهید بهشتی

<sup>۲</sup>گروه مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱

### Recognizing the motivating and deterrent factors against education for increasing the civic participation in Tehran municipality activities

M. Yazdi<sup>1\*</sup>, M. Soudagar<sup>2</sup>, Y. Delgoshae<sup>2</sup> and R. Nasiri<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Dept. of Geology, Shahid Beheshti University, Tehran

<sup>2</sup>Dept. of Educational Management, Azad University, Central Tehran

#### Abstract

The research has been done for revising the deterred and motivating factors of public education and participation, in various tasks of Tehran Municipality. The method of research was functional in the view of collecting descriptive information and the goal. The sample categories coincident with sampling procedure were data collection based on a questionnaire consisting of 40 items with Lucent 5 scale size. The queries investigated the simulation, content, structures and permanence of performing an experiment on 3 categories of samples together with calculating Cronbach's alpha rate (82 percent). The collected data's have been analyzed with SPSS software by descriptive and inferential statistics manners like come test, factor analysis, "t" test for 2 independent groups, variance analyzing and "Tuki" post hoc test. The results of data processing show that social, economic, cultural, technologic, motivating, managing and educational are so important in motivating and deterrent of education in increasing of civic participation in Tehran municipality activities.

**Keywords:** Education, Public participation, Municipality, Tehran

#### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران انجام شده است. روش تحقیق از نظر شیوه گردآوری اطلاعات توصیفی (پیمایشی) و از نظر هدف کاربردی بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق ساخته مشتمل بر ۴۰ گویه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بوده است که روایی آن از نظر صوری، محتوایی و سازه بررسی شده است و پایایی آن با اجرای آزمایشی بر روی نمونه‌ای ۳۰ نفره و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) بدست آمده است. داده‌های گردآوری شده به کمک روش‌های آمار توصیفی و استنباطی همچون تحلیل عاملی، آزمون t برای دو گروه مستقل، تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج بدست آمده نشان داد که به ترتیب هفت عامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فناوری، انگیزشی، مدیریتی و آموزشی از جمله عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران هستند.

**کلید واژگان:** آموزش، مشارکت مردم، شهرداری، تهران

\* Corresponding author. Email Address: [m-yazdi@sbu.ac.ir](mailto:m-yazdi@sbu.ac.ir)

## مقدمه

مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های اداری دلالت دارد که اعضای یک جامعه از طریق آنها در فرایندها و امور جامعه شرکت کرده و به طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌دادن حیات مدنی مشارکت می‌کنند. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (Alavi Tabar, 2001) که نتیجه آن می‌تواند به ایجاد احساس تعهد در بین افراد جامعه بیانجامد. بنابراین در تعریف مشارکت سه اندیشه نهفته است:

۱. درگیری ذهنی و عاطفی

۲. انگیزش برای یاری دادن

۳. پذیرش مسئولیت (Toosi, 1993).

مشارکت دارای دو بعد فعال و غیرفعال است. مشارکت فعال حق شهروندان و مشارکت غیرفعال وظیفه ایشان تلقی می‌شود. روند بلوغ فرهنگ شهروندی در این پیوستار شکل می‌گیرد. در جامعه نیز هنگامی که مردم مشارکت‌جو و دولت مشارکت‌پذیر باشند شرایط انفعالی به وجود می‌آید. مشارکت‌جویی و واردکردن مردم به عرصه، نقش فعال دولت و مشارکت‌پذیری، نقش انفعالی دولت و حاکمیت است (Verdinejad, 2008).

حاصل تحقیقات و تجربیات پژوهشگران نشان می‌دهد که مشارکت سبب افزایش بازدهی، بالارفتن کیفیت، کاهش تعارض و کاهش مقاومت‌های منفی نظیر غیبت، تأخیر و کم‌کاری و افزایش درآمد خواهد شد. به طوری که در عصر کنونی مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی، در تمام کشورهای توسعه یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه پذیرفته شده است. مشارکت شهروندان، نیروی محرک مدیریت شهری است؛ به این ترتیب مشارکت آنان در اداره تمام امور شهر ضروری است و باید به کمک سازوکارهایی مناسب، به صورت معنادار وجود داشته باشد.

امروزه به مشارکت مردمی به منزله راهبرد جدیدی در توسعه نگریسته می‌شود و امید است که با به‌کارگیری مؤثر آن، توسعه پایدار و متعادل حاصل آید (Zare et al, 2010). به همین دلیل، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه

فعالیت‌ها و امور شهری به شدت مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب نظران توسعه اجتماعی است. مشارکت، فرایند درگیرشدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنهاست و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن راندند (Abaszadeh, 1998). بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده، افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید.

اگر شهروندان، مشارکت در شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت در قالب گروه‌های کاری به شکل‌گیری و تقویت خصایصی، نظیر خودرهبری، خودمسئولیت‌ورزی مبادرت ورزیده، زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند ساخت. نهایت امر این که، مشارکت عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی گردیده، از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌کنند و به اعتقاد صاحب‌نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد.

تحقیقات انجام شده توسط Yazdan Panah در سال 2009 نیز نشان داده است که متأسفانه میزان مشارکت اجتماعی رسمی یعنی مشارکت داوطلبانه به ویژه در سازمان‌های غیردولتی کم و بیش مشارکت‌ها در زمینه فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی است.

برای حل مشکلات فعلی و آینده شهرها مشارکت فعال نیروی مردمی راه‌حل نهایی است که متأسفانه این نیرو دست نخورده و این گونه مشارکت‌ها غیرفعال باقی مانده‌اند. تجربه نشان داده که به‌کارگیری استعدادهای مردمی موجب بروز ابتکارها و

خلاقیت‌ها می‌شوند که در شرایط عادی تصور نمی‌شود.

برای استفاده از این امکانات بالقوه (استعدادهای مردمی) سپردن کارهای اجرایی و عملی به شهروندان ضرورت دارد (Ghafari, 2010) که این مشکل تنها به واسطه آموزش حل خواهد شد.

تحقیقاتی که در زمینه بررسی موانع مشارکت شهروندان یک جامعه در امور شهری انجام شده است از عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، سیاسی، عدم اعتماد و... به عنوان موانع موجود بر سر راه شهروندان جهت مشارکت در امور شهری و کشوری نام برده شده است. در تحقیقی که توسط Yazdan Panah (2009) انجام شده نشان داده شده است افراد جامعه ارزیابی شده موانع زیادی همچون خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و... را برای مشارکت اجتماعی خود می‌بینند.

براساس نتایج بدست آمده از پژوهش (Rabbani et al 2007) نیز رابطه خطی و معنی‌داری میان رفاه اقتصادی و اجتماعی و مشارکت‌پذیری شهروندان یافت شده است و نتیجه غالب این شده است که مسئولین شهر اگر بتوانند اعتماد مردم را جلب‌کنند و از این طریق به رضایت‌مندی اجتماعی آنها بیفزایند در این صورت احساس تعلق آنان به منطقه مسکونی افزایش یافته و باعث مشارکت‌پذیری بالاتر آن‌ها خواهد شد. نتایج پژوهش‌های پوتنام<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، نیوتن<sup>۲</sup> (۱۹۹۷)، اوسلانر<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)، وبرهم و ران<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) نیز نشان داده‌اند که اعتماد شهروندان که از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی است، رابطه مستقیمی با مشارکت آنها دارد. همچنین نتایج تحقیقات صورت گرفته توسط ربانی و گنجی (۱۳۸۴)، کیهانی (۱۳۸۴)، مقدس جعفری (۱۳۸۱)، روسه<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، لی<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) و اسمیت<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) نشان داده‌است که برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف وجود اعتماد نهادی الزامی است.

با مطالعه گسترده مبانی نظری، مدل‌های ارائه شده و همچنین پیشینه تحقیقات انجام‌شده پیرامون موضوع تحقیق، مدل تحلیل میدان نیرو<sup>۸</sup> که توسط کرت لوین<sup>۹</sup> (۱۹۴۷) ارائه شده است برای تعیین و شناسایی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران انتخاب گردید. در این مدل دو دسته مؤلفه تحت عناوین عوامل بازدارنده و عوامل پیش‌برنده شناسایی گردیده است تا مشخص شود که کدامیک از آنها بازدارنده و کدامیک پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌باشند و اینکه آیا تعادلی بین عوامل بازدارنده و پیش‌برنده در زمینه آموزش و مشارکت مردمی در سازمان مذکور هست یا خیر؟ و اگر هست یا نیست، کدامیک بر دیگری ارجحیت دارد؟

بنابراین، با توجه به اهمیت مشارکت شهروندان جامعه در کلیه امور شهری و کشوری جهت توسعه، رشد و بقای بیشتر کشور این سئوال‌ها مطرح می‌شود که:

۱. عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران کدامند؟
۲. آیا بین پاسخ آزمودنی‌ها پیرامون عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد؟
۳. آیا بین پاسخ آزمودنی‌ها پیرامون عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران بر حسب سابقه شغلی تفاوت معناداری وجود دارد؟
۴. آیا بین پاسخ آزمودنی‌ها پیرامون عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران بر حسب منطقه تفاوت معناداری وجود دارد؟

1. Putnam

2. Newton

3. Uslaner

4. Brehm & Rahn

5. Rose

6. Lee

7. Smith

8. Force Field Analysis

9. Kurt Lewin

## روش شناسی

## نوع تحقیق

این یک تحقیق کاربردی است، زیرا به منظور حل سریع مسائل، مشکلات و اتخاذ تدابیر لازم انجام شده است. از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی از نوع پیمایشی است. زیرا پژوهشگر قصد دارد تا آنچه را که هست بدون هیچگونه دخل و تصرفی بیان نماید.

## جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارکنان (مشغول به کار) شهرداری تهران در سال ۹۰ می‌باشد که تعداد آنان ۵۰۲۴ نفر گزارش شده است. با مراجعه به جدول مورگان حجم نمونه ۳۵۷ نفر برآورد و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و طبقه‌ای انتخاب شده است (جدول شماره ۱).

## ابزار تحقیق

ابزار تحقیق پرسشنامه بوده است. با توجه به اینکه پرسشنامه استاندارد در این زمینه وجود نداشت، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه مذکور، مشتمل بر ۴۰

عامل آموزشی در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد) بوده است.

گویه در هفت بعد عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل فناوری، عوامل مدیریتی، عوامل انگیزشی و برای تعیین روایی پرسشنامه، از روایی صوری و محتوایی استفاده شده است. و برای تعیین پایایی پرسشنامه، آن را روی نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر اجرا و ضریب آلفای کل و ضریب آلفا با توجه به حذف هر سوال برآورد گردید و به این صورت سوال‌های ناهمبسته حذف گردیده است. در نهایت پایایی پرسش نامه در حد ۰/۸۲ بدست آمد.

## روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و متناسب با سؤالات تحقیق، از روش‌های آمار استنباطی چون آزمون کومو جهت بررسی مناسب بودن داده‌ها برای انجام آزمون تحلیل عاملی، آزمون تحلیل عاملی برای خلاصه کردن داده‌ها و بررسی میزان همبستگی درونی متغیرهای تحقیق، آزمون t مستقل جهت مقایسه تفاوت بین میانگین دو گروه مستقل، آزمون تحلیل واریانس به جهت مقایسه تفاوت بین میانگین سه گروه و بیشتر در بین گروه‌ها، استفاده شده است.

جدول ۱. توزیع جامعه و نمونه بر حسب منطقه و جنسیت

حجم در نمونه		درصد		حجم در جامعه		منطقه
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۴۸	۱۶	۱۴	۴/۳	۶۸۳	۲۲۰	۲
۵۴	۱۴	۲/۱۵	۳/۹	۷۶۵	۲۰۰	۴
۴۳	۱۰	۱۲	۲/۷	۶۰۲	۱۳۷	۶
۴۵	۸	۱۲/۷	۲	۶۳۹	۱۰۶	۱۲
۵۶	۹	۱۵/۷	۲/۵	۷۹۰	۱۲۶	۱۵
۴۵	۹	۱۲/۶	۲/۳	۶۳۶	۱۲۰	۲۰
۲۹۱	۶۶	۸۲/۳	۱۷/۷	۴۱۱۵	۹۰۹	جمع
۳۵۷		۱۰۰		۵۰۲۴		جمع کلی

## یافته‌ها

پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران از نظر جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

### - یافته‌های مربوط به سؤال اول تحقیق

عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران کدامند؟ ابتدا برای بررسی مناسب بودن داده‌ها و تحلیل عاملی از آزمون بارتلت و کومو استفاده شده است. مقدار کومو برابر با  $0/792$  است (یعنی بزرگتر از  $0/6$  می باشد) و آزمون بارتلت نیز محاسبه شده که با توجه به سطح معناداری آن ( $0/01$ ) نشان دهنده کفایت داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی بوده است. همانطور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، نتایج حاصل از تحلیل عاملی بر روی پاسخ‌های ۳۵۷ کارمند شهرداری نشان می‌دهد که هفت عامل جزو عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌باشند که این عوامل روی هم ۶۱ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند.

نتایج حاصل از جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که از بین ۴۰ گویه پرسشنامه تحقیق، ۲۳ گویه باقی مانده است و هفت عامل به عنوان مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران شناسایی شده‌اند که میزان کل اثرات این عوامل ۶۱ درصد بوده است. به طوری که سهم عوامل اجتماعی ( $35/2$  درصد)، عوامل اقتصادی ( $17/5$  درصد)، عوامل فرهنگی ( $11/8$  درصد)، عوامل فناوری ( $10/6$  درصد)، عوامل انگیزشی ( $9/3$  درصد)، عوامل مدیریتی ( $7/7$  درصد) و عوامل آموزشی ( $7/2$  درصد) بوده است.

### - یافته‌های مربوط به سؤال دوم تحقیق

آیا بین پاسخ آزمودنی‌ها پیرامون عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد؟ با توجه به جدول شماره ۴ چون  $t$  محاسبه شده برای تمام مؤلفه‌ها با درجه آزادی ۳۵۵ و در سطح معناداری  $0/05$  کوچکتر از مقدار بحرانی  $t$  می‌باشند، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها تأیید می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد عوامل بازدارنده و

### - یافته‌های مربوط به سؤال سوم تحقیق

آیا بین پاسخ آزمودنی‌ها پیرامون عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران بر حسب سابقه شغلی تفاوت معناداری وجود دارد؟ چون  $F$  محاسبه شده با درجه آزادی ۳۵۶ و در سطح  $0/05$  برای مقایسه میانگین نمرات آزمودنی‌ها در تمامی مؤلفه‌ها بر حسب سابقه شغلی کوچکتر از مقدار بحرانی  $F$  می‌باشند، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران از نظر سابقه شغلی تفاوت معناداری وجود ندارد.

### - یافته‌های مربوط به سؤال چهارم تحقیق

آیا بین پاسخ آزمودنی‌ها پیرامون عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران بر حسب منطقه تفاوت معناداری وجود دارد؟ چون  $F$  محاسبه شده با درجه آزادی ۳۵۶ و در سطح  $0/05$  برای مقایسه میانگین نمرات آزمودنی‌ها در مؤلفه‌های عوامل فرهنگی، فناوری، انگیزشی و آموزشی بر حسب منطقه کوچکتر از مقدار بحرانی  $F$  می‌باشند، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران از نظر منطقه در مورد مؤلفه‌های ذکر شده، تفاوت معناداری وجود ندارد. اما  $F$  محاسبه شده در مؤلفه‌های عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی بزرگتر از مقدار بحرانی  $F$  می‌باشند، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران از نظر سابقه و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران

جدول ۲. استخراج مجموعه اولیه عامل‌ها

اجزا	مقادیر ویژه			مقادیر ویژه بعد از استخراج مؤلفه‌ها			مقادیر ویژه بعد از چرخش واریانس		
	جمع	درصد واریانس	درصد تراکمی	جمع	درصد واریانس	درصد تراکمی	جمع	درصد واریانس	درصد تراکمی
عوامل اجتماعی	۶/۶۹۲	۲۱/۵۸۷	۲۱/۵۸۷	۶/۶۹۲	۲۱/۵۸۷	۲۱/۵۸۷	۳/۱۹۷	۱۰/۳۱۲	۱۰/۳۱۲
عوامل اقتصادی	۳/۳۲۲	۱۰/۷۱۶	۱۰/۷۱۶	۳/۳۲۲	۱۰/۷۱۶	۲۳/۳۰۳	۳/۱۱۱	۱۰/۰۳۵	۲۰/۳۴۷
عوامل فرهنگی	۲/۲۵۱	۷/۲۶۰	۷/۲۶۰	۲/۲۵۱	۷/۲۶۰	۳۹/۵۶۳	۲/۷۷۷	۸/۹۵۷	۲۹/۳۰۴
عوامل فناوری	۲/۰۴۱	۶/۵۸۴	۶/۵۸۴	۲/۰۴۱	۶/۵۸۴	۴۶/۱۴۷	۲/۲۸۵	۷/۳۷۰	۳۶/۶۷۴
عوامل انگیزشی	۱/۷۷۷	۵/۷۳۱	۵/۷۳۱	۱/۷۷۷	۵/۷۳۱	۵۱/۸۷۷	۲/۱۹۰	۷/۰۶۴	۳۴/۷۳۸
عوامل مدیریتی	۱/۴۸۷	۴/۷۶۹	۴/۷۶۹	۱/۴۸۷	۴/۷۶۹	۵۶/۶۴۶	۲/۱۸۵	۷/۰۴۸	۵۰/۷۸۶
عوامل آموزشی	۱/۳۷۱	۴/۴۲۴	۴/۴۲۴	۱/۳۷۱	۴/۴۲۴	۶۱/۰۷۰	۲/۰۹۲	۶/۷۴۸	۵۷/۵۳۴

جدول ۳. بار عاملی هر یک از عوامل پیش برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری

عامل	شماره گویه	بار عاملی	گویه	مقدار ویژه	درصد مقدار ویژه	درصد از کل عاملها
عوامل اجتماعی	۲	۰/۵۸۶	کاهش نابرابری‌های اجتماعی	۲۱/۵۸۷	۲۱/۵	۳۵/۲
	۵	۰/۶۴۲	از بین بردن پارتی بازی، رشوه و... در سازمان‌های مختلف			
	۶	۰/۷۶۷	برقراری امنیت اجتماعی			
	۱۰	۰/۵۴۳	اهمیت قائل شدن برای آداب و رسوم‌های مختلف			
عوامل اقتصادی	۱۱	۰/۶۹۶	درگیری‌های شغلی	۳۲/۳۰۳	۱۰/۷	۱۷/۵
	۱۲	۰/۵۱۷	چند شغله بودن افراد برای بدست آوردن پول و مزایای بیشتر			
	۱۳	۰/۶۸۱	کاهش هزینه‌های مصرفی مردم			
	۱۴	۰/۵۷۴	کاهش تورم و گرانی			
عوامل فرهنگی	۱۶	۰/۵۰۹	تصور فرد از قضاوت دیگران از او	۳۹/۵۶۳	۷/۲	۱۱/۸
	۱۷	۰/۶۵۹	نداشتن تجربه کار گروهی			
	۱۸	۰/۶۴۹	تشویق افراد به مطالعه مجلات، کتب و...			
عوامل فناوری	۱۹	۰/۵۹۵	عدم آگاهی از فناوری جدید	۴۶/۱۴۷	۶/۵	۱۰/۶
	۲۱	۰/۵۵۲	روشهای استفاده از فناوری			
عوامل انگیزشی	۲۲	۰/۶۶۵	تجلیل و قدردانی از فعالیت‌ها و همکاری‌ها	۵۱/۸۷۷	۵/۷	۹/۳
	۲۴	۰/۵۴۱	برگزاری اجتماعات مختلف			
	۲۵	۰/۶۸۹	فراهم نمودن فرصت کسب موفقیت			
عوامل مدیریتی	۳۰	۰/۶۶۵	اعتمادسازی	۵۶/۶۴۶	۴/۷	۷/۷
	۳۱	۰/۶۴۹	رسیدگی به مشکلات افراد			
	۳۲	۰/۵۴۱	هماهنگی			
	۳۳	۰/۶۸۹۰	مشخص نمودن هدف			
عوامل آموزشی	۳۷	۰/۶۰۳	اهدای تراکت‌های مصور آموزشی	۶۱/۰۷۰	۴/۴	۷/۲
	۳۸	۰/۶۵۹	نصب بیلبردهای آموزشی در سطح شهر			
	۴۰	۰/۵۲۸	توجه به سطح آموزش در کلاس‌های مختلف			
			جمع		۶۱	۱۰۰

همان‌طورکه در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود، بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها در مولفه عوامل مدیریتی، تفاوت معناداری بین منطقه ۲ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۴ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۶ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۱۲ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۱۵ با منطقه ۲۰ و بین منطقه ۲۰ با مناطق ۲، ۴، ۶، ۱۲ و ۱۵ در سطح معناداری ۰.۰۵ دیده می‌شود. در سایر مقایسه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

#### بحث

نتایج حاصل از این یافته با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط مطیعی‌لنگرودی و سخایی (۱۳۸۸) که اذعان نمودند در روستاهای دهستان سلگی شهرستان نهاوند، علاوه بر وجود پتانسیل‌ها و زمینه‌های مشارکت در توسعه روستایی، موانع و مشکلاتی در چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر سر راه مشارکت پویا و فعال وجود دارد، که رفع هر کدام از آن‌ها مستلزم به‌کارگیری راهکاری ویژه است؛ Rabbani et al (2007) که رابطه خطی و معنی‌داری را میان رفاه اقتصادی و اجتماعی و مشارکت‌پذیری شهروندان نشان داده‌اند.

از نظر سابقه شغلی در مورد مؤلفه‌های ذکر شده، تفاوت معناداری وجود دارد که برای مشاهده تفاوت واقعی، در ادامه از آزمون تعقیبی توکی استفاده می‌نماییم.

همان‌طورکه در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود، بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها در مولفه عوامل اجتماعی، تفاوت معناداری بین منطقه ۲ با مناطق ۶، ۱۵ و ۲۰؛ بین منطقه ۴ با مناطق ۶، ۱۵ و ۲۰؛ بین منطقه ۶ با مناطق ۲ و ۴؛ بین منطقه ۱۵ با مناطق ۲ و ۴ و در نهایت بین منطقه ۲۰ با مناطق ۲ و ۴ در سطح معناداری ۰.۰۵ دیده می‌شود. در سایر مقایسه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

همان‌طورکه در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها در مولفه عوامل اقتصادی، تفاوت معناداری بین منطقه ۲ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۴ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۶ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۱۲ با منطقه ۲۰، بین منطقه ۱۵ با منطقه ۲۰ و بین منطقه ۲۰ با مناطق ۲، ۴، ۶، ۱۲ و ۱۵ در سطح معناداری ۰.۰۵ دیده می‌شود. در سایر مقایسه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۴. آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت میانگین نمرات آزمودنی‌ها بر حسب جنسیت

Sig	df	t	آزمون همسانی واریانس‌ها		انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	مولفه
			Sig	F					
۰/۹۸۰	۳۵۵	-۰/۰۲۵	۰/۹۵۷	۰/۰۰۳	۰/۵۲۲۲	۲/۵۳۳۳	۶۶	زن	عوامل اجتماعی
					۰/۵۰۶۱۸	۲/۵۳۵۱	۲۹۱	مرد	
۰/۸۳۸	۳۵۵	-۰/۲۰۵	۰/۳۴۰	۰/۹۱۳	۰/۷۲۰۵۸	۲/۴۱۲۱	۶۶	زن	عوامل اقتصادی
					۰/۶۶۱۸۷	۲/۴۳۰۹	۲۹۱	مرد	
۰/۸۰۷	۳۵۵	-۰/۲۵۴	۰/۸۱۳	۰/۰۵۶	۰/۶۶۹۰۲	۲/۴۸۹۹	۶۶	زن	عوامل فرهنگی
					۰/۹۴۹۲۳	۲/۵۲۰۰	۲۹۱	مرد	
۰/۸۸۸	۳۵۵	۰/۱۴۱	۰/۷۳۹	۰/۱۱۱	۰/۵۸۱۹۵	۲/۲۵۲۵	۶۶	زن	عوامل فناوری
					۰/۵۵۸۶۴	۲/۲۴۱۷	۲۹۱	مرد	
۰/۶۲۱	۳۵۵	-۰/۴۹۴	۰/۵۸۰	۰/۳۰۷	۰/۴۰۸۵۲	۴/۷۶۳۳	۶۶	زن	عوامل انگیزشی
					۰/۴۶۲۷۴	۴/۷۹۳۸	۲۹۱	مرد	
۰/۸۰۱	۳۵۵	۰/۲۵۳	۰/۶۶۵	۰/۱۸۸	۰/۴۰۶۰۶	۲/۳۰۹۵	۶۶	زن	عوامل مدیریتی
					۰/۳۷۱۰۴	۲/۲۹۶۵	۲۹۱	مرد	
۰/۷۰۳	۳۵۵	۰/۳۸۲	۰/۸۴۹	۰/۰۳۶	۰/۵۰۶۳۳	۲/۱۸۵۶	۶۶	زن	عوامل آموزشی
					۰/۵۱۳۸۴	۲/۱۵۸۹	۲۹۱	مرد	

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمرات بر حسب بر حسب سابقه شغلی

F بحرانی جدول در سطح معناداری ۰/۰۵ = ۲/۶۰						
Sig	F	متوسط مجذورات	df	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
۰/۷۸۸	۰/۳۵۱	۰/۰۹۱	۳	۰/۲۷۴	بین گروهها	عوامل اجتماعی
		۰/۲۶۰	۳۵۳	۹۱/۷۵۵	درون گروهها	
			۳۵۶	۹۲/۰۲۹	جمع	
۰/۱۲۰	۱/۹۶۰	۰/۸۷۸	۳	۲/۶۳۵	بین گروهها	عوامل اقتصادی
		۰/۴۴۸	۳۵۳	۱۵۸/۱۷۶	درون گروهها	
			۳۵۶	۱۶۰/۸۱۱	جمع	
۰/۴۲۲	۰/۹۳۸	۰/۷۶۴	۳	۲/۲۹۳	بین گروهها	عوامل فرهنگی
		۰/۸۱۵	۳۵۳	۲۸۷/۵۴۹	درون گروهها	
			۳۵۶	۲۸۹/۸۴۲	جمع	
۰/۵۹۱	۰/۶۳۹	۰/۲۰۲	۳	۰/۶۰۷	بین گروهها	عوامل فناوری
		۰/۳۱۷	۳۵۳	۱۱۱/۵۸۵	درون گروهها	
			۳۵۶	۱۱۲/۴۶۵	جمع	
۰/۷۴۱	۰/۴۱۷	۰/۰۸۶	۳	۰/۲۵۸	بین گروهها	عوامل انگیزشی
		۰/۲۰۶	۳۵۳	۷۲/۷۳۸	درون گروهها	
			۳۵۶	۷۲/۹۹۶	جمع	
۰/۹۰۶	۰/۱۸۶	۰/۰۲۷	۳	۰/۰۸۰	بین گروهها	عوامل مدیریتی
		۰/۱۴۳	۳۵۳	۵۰/۵۷۲	درون گروهها	
			۳۵۶	۵۰/۶۵۲	جمع	
۰/۵۰۰	۰/۷۹۰	۰/۲۰۷	۳	۰/۶۲۱	بین گروهها	عوامل آموزشی
		۰/۲۶۲	۳۵۳	۹۲/۵۴۳	درون گروهها	
			۳۵۶	۹۳/۱۶۴	جمع	



جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌ها بر حسب منطقه

F بحرانی جدول در سطح معناداری ۰/۰۵ = ۲/۶۰						
Sig	F	متوسط مجذورات	df	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
۰/۰۰۰	۵۵۲۱	۱/۳۴۲	۵	۶/۷۱۰	بین گروه‌ها	
		۲۴۳	۳۵۱	۸۵/۳۲۰	درون گروه	
			۳۵۶	۹۲/۰۲۹	جمع	
۰/۰۰۰	۴/۹۲۲	۲/۱۰۷	۵	۱۰/۵۳۷	بین گروه‌ها	
		۰/۴۲۸	۳۵۱	۱۵۰/۲۴۷	درون گروه	
			۳۵۶	۱۶۰/۸۱۱	جمع	
۰/۰۹۰	۱/۹۲۲	۱/۴۵۴	۵	۷/۷۲۵	بین گروه‌ها	
		۰/۸۰۴	۳۵۱	۲۸۲/۱۱۷	درون گروه	
			۳۵۶	۲۸۹/۸۴۲	جمع	
۰/۰۵۰۹	۲/۱۵۴	۰/۶۷۰	۵	۳/۳۴۸	بین گروه‌ها	
		۰/۳۱۱	۳۵۱	۱۰۹/۱۱۷	درون گروه	
			۳۵۶	۱۱۲/۴۶۵	جمع	
۰/۰۸۵	۱/۹۵۰	۰/۳۹۵	۵	۱/۹۷۳	بین گروه‌ها	
		۰/۲۰۲	۳۵۱	۷۱/۰۲۳	درون گروه	
			۳۵۶	۷۲/۹۹۶	جمع	
۰/۰۰۱	۴/۰۶۵	۰/۵۵۴	۵	۲/۷۲۲	بین گروه‌ها	
		۰/۱۳۶	۳۵۱	۴۷/۸۸۰	درون گروه	
			۳۵۶	۵۰/۶۵۲	جمع	
۰/۳۹۹	۱/۰۳۲	۰/۲۷۰	۵	۱/۳۵۰	بین گروه‌ها	
		۰/۲۶۲	۳۵۱	۹۱/۸۱۴	درون گروه	
			۳۵۶	۹۳/۱۶۴	جمع	

جدول ۷. آزمون تعقیبی توکی برای مشاهده تفاوت واقعی در بین میانگین گروه‌ها برحسب منطقه

مؤلفه	منطقه I	منطقه J	اختلاف میانگین I - J	خطای استاندارد	سطح معناداری	ضریب اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت‌ها	
						حد پایین	حد بالا
عوامل اجتماعی	۲	منطقه ۶	۰/۲۶۷۶۳	۰/۰۹۰۲۱	۰/۰۳۸	۰/۰۰۹۱	۰/۵۲۶۱
		منطقه ۱۵	۰/۲۵۲۳۳	۰/۰۸۶۸۲	۰/۰۴۵	۰/۰۰۳۵	۰/۵۰۱۱
		منطقه ۲۰	۰/۳۴۲۳۰	۰/۰۹۱۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۸۱۲	۰/۶۰۳۴
	۴	منطقه ۶	۰/۲۸۲۹۹	۰/۰۸۹۸۹	۰/۰۲۲	۰/۰۲۵۴	۰/۵۴۰۶
		منطقه ۱۵	۰/۲۶۷۶۹	۰/۰۸۶۴۸	۰/۰۲۶	۰/۰۱۹۹	۰/۵۱۵۵
		منطقه ۲۰	۰/۳۵۷۶۶	۰/۰۹۰۷۸	۰/۰۰۱	۰/۹۷۵۰	۰/۶۱۷۸
	۶	منطقه ۲	-۰/۲۶۷۶	۰/۰۹۰۲۱	۰/۰۳۸	-۰/۵۲۶۱	-۰/۰۰۹۱
		منطقه ۴	-۰/۲۸۲۹	۰/۰۸۹۸۹	۰/۰۲۲	-۰/۵۴۰۶	-۰/۰۲۵۴
	۱۵	منطقه ۲	-۰/۲۵۲۳	۰/۰۸۶۸۲	۰/۰۴۵	-۰/۵۰۱۱	-۰/۰۰۳۵
		منطقه ۴	-۰/۲۶۷۶	۰/۰۸۶۴۸	۰/۰۲۶	-۰/۵۱۵۵	-۰/۰۱۹۹
	۲۰	منطقه ۲	-۰/۳۴۲۳	۰/۰۹۱۱۰	۰/۰۰۳	-۰/۶۰۳۴	-۰/۰۸۱۲
		منطقه ۴	-۰/۳۵۷۶	۰/۰۹۰۷۸	۰/۰۰۱	-۰/۶۱۷۸	-۰/۰۹۷۵

جدول ۸. آزمون توکی برای مشاهده تفاوت واقعی در بین میانگین گروه‌ها

مؤلفه	منطقه I	منطقه J	اختلاف میانگین I - J	خطای استاندارد	سطح معناداری	ضریب اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت‌ها	
						حد پایین	حد بالا
عوامل اقتصادی	۲۰	منطقه ۲	-۰/۴۱۹۷۹	۰/۱۲۰۹۰	۰/۰۰۸	-۰/۷۶۶	-۰/۰۷۳۳
		منطقه ۴	-۰/۴۴۰۵	۰/۱۲۰۴۸	۰/۰۰۴	-۰/۷۸۵	-۰/۰۹۵۳
		منطقه ۶	-۰/۵۰۹۵	۰/۱۲۴۷۹	۰/۰۰۱	-۰/۸۷۶	-۰/۱۵۱۹
		منطقه ۱۲	-۰/۵۴۰۲۵	۰/۱۲۶۵۲	۰/۰۰۰	-۰/۹۰۲	-۰/۱۷۷۷
		منطقه ۱۵	-۰/۴۳۱۲۸	۰/۱۲۰۴۸	۰/۰۰۵	-۰/۷۷۶	-۰/۰۸۶۰

جدول ۹. آزمون توکی برای مشاهده تفاوت واقعی در بین میانگین گروه‌ها (مؤلفه عوامل مدیریتی و منطقه)

مؤلفه	منطقه I	منطقه J	اختلاف میانگین I - J	خطای استاندارد	سطح معناداری	ضریب اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت‌ها	
						حد پایین	حد بالا
عوامل مدیریتی	۲۰	منطقه ۲	-۰/۲۲۲۴۳۷	۰/۶۸۲۵	۰/۰۱۴	۰/۴۱۹۹	۰/۰۲۸۸
		منطقه ۴	-۰/۲۴۱۴۷	۰/۶۸۰۱	۰/۰۰۶	۰/۴۳۶۳	۰/۰۴۶۶
		منطقه ۶	-۰/۲۶۷۱۰	۰/۷۰۴۴	۰/۰۰۲	۰/۴۶۹۰	۰/۰۶۵۲
		منطقه ۱۲	-۰/۲۵۲۴۲	۰/۷۱۴۱	۰/۰۰۶	۰/۴۵۷۱	۰/۰۴۸۷
		منطقه ۱۵	-۰/۲۳۴۸۸	۰/۶۸۰۱	۰/۰۰۸	۰/۴۲۹۸	۰/۰۴۰۰

مردم و واکنش آنان در برابر عملکرد حکومت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی به پیش‌زمینه‌های آگاهی بستگی دارد. سطح تحصیلات نیز تأثیر متقابلی با مشارکت افراد دارد. افراد با تحصیلات بالا ممکن است به خاطر آگاهی‌هایی که دارند در انتخابات شرکت و یا از آن اجتناب کنند. مدیریت شهری می‌بایست نسبت به رفع این موانع اقدامی جدی و سریع به عمل آورد.

در رابطه با عوامل اقتصادی به عنوان عامل پیش برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌توان چنین ادعان نمود که در عرصه اقتصاد موانعی برای مشارکت عمومی و همبستگی ملی وجود دارد که از آن جمله کسب ثروت‌های ناگهانی از طریق فعالیت‌های غیرسالم و نامشروع می‌باشد که از آن به ثروت‌های باد آورده تعبیر می‌شود و قرآن، رباخواری و ارتزاق از مال حرام را از گناهان کبیره می‌داند و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید، از خدا بترسید، تا رستگار شوید (سوره آل عمران، آیه ۱۳۰). رباخواری، مناسبات اجتماعی و اقتصادی را از مسیر صحیح خود خارج می‌کند و موجب افزایش فاصله طبقاتی و تراکم و تکثر ثروت‌های نامشروع در دست عده معدودی و محرومیت تعداد زیادی از مردم می‌گردد و نتیجه آن عدم مشارکت اجتماعی و اقتصادی مردم در عرصه‌های اقتصادی و عدم پشتیبانی آنها از برنامه‌های اقتصادی حکومت و جامعه می‌گردد.

فرهنگ، زیربنای توسعه و عامل، هدف و نتیجه توسعه تلقی شده است. فرهنگ هر ملتی نشانه هویت و استقلال اوست. نشاط و پویایی فرهنگ نشان حیات و تکامل آن جامعه است. حضور و مشارکت فعالانه مردم، پیش نیاز و لازمه نیل به توسعه به‌ویژه توسعه فرهنگی است. یکی از محورهای اصلی توسعه فرهنگی و شاید اصلی‌ترین آن، مشارکت مردم باشد. اگر بنا باشد توسعه فرهنگی تحقق یابد، باید فرهنگ از وضعیتی که در آن به شکل کالایی لوکس مطرح است، خارج شود و در دسترس همگان به‌ویژه اقشار محروم جامعه قرارگیرد. حق شرکت در زندگی فرهنگی یکی از حقوق اساسی انسان است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصلی است

و اذعان می‌نمایند که مسئولین شهر اگر بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند و از این طریق به رضایت‌مندی اجتماعی آنها بیفزایند در این صورت احساس تعلق آنان به منطقه مسکونی افزایش یافته و باعث مشارکت‌پذیری بالاتر آنها خواهد شد؛ Abaszadeh (1998) با توجه به نتایج پژوهش خود عنوان می‌نماید عوامل اجتماعی و گرایشی بیشترین تأثیر را در تمایل شهروندان اصفهانی در مشارکت امور شهری داشته است. Yazdan Panah (2009) که نتیجه می‌گیرد شهروندان، موانع زیادی همچون خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و... را برای مشارکت اجتماعی خود می‌بیند؛ روسه (۲۰۰۶)، لی (۲۰۰۶) و اسمیت (۲۰۰۶) که همگی نشان دادند برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف، وجود اعتماد نهادی الزامی است؛ پوتنام (۱۹۹۵)، نیوتن (۱۹۹۷)، اوسلانر (۱۹۹۷) و برهم و ران (۱۹۹۹) که نشان داده‌اند اعتماد شهروندان که از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی است، رابطه مستقیمی با مشارکت آنها دارد، همسو می‌باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، عوامل اجتماعی یکی از عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران هستند. مشارکت اجتماعی به طور اخص به مفهوم شرکت آگاهانه، خودانگیخته، ارادی و قصدمند افراد و گروه‌ها در امور اجتماعی جامعه و به منظور سهم شدن در کارها، تسریع و تسهیل انجام امور جامعه و کمک به اهداف توسعه اجتماعی است (Noroozi et al, 2008). مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت مردمی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی می‌کند. مشارکت اجتماعی و سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاستگذاری عمومی است. به بیانی دیگر، مشارکت اجتماعی و سیاسی عبارت است از ورود به عرصه‌ای که به تحقق یک اراده جمعی منجر شده، یا مانع تحقق آن اراده جمعی می‌شود. درجه آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان با میزان و کیفیت جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی به منابع تغذیه اطلاعاتی، رابطه‌ای مستقیم دارد. معمولاً گرایش‌های حزبی، صنفی، گروهی، اجتماعی و سیاسی

استدلال می‌کند که علیرغم تلاش‌های نخبگان، فناوری‌های ارتباطی جدید، هزینه ارتباطات و درک اطلاعات را کاهش داده و موقعیت‌های جالب‌تری را برای مشارکت ایجاد می‌کند. بنابراین، باعث تقویت گروه‌های جدید و افزایش مشارکت مردم‌سالارانه می‌شود و شبکه‌هایی سیاسی را می‌گشاید که در غیر این صورت، به سختی قابل نفوذ هستند (Dutton, 1987; Arterton, 1988).

در رابطه با عوامل انگیزشی به عنوان عاملی پیش برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران باید اذعان نمود که انگیزش از جمله عواملی است که تأثیر شگفت‌انگیز آن در امور مختلف همچون تحصیل، یادگیری و مشارکت معلوم شده است. چرا که افراد از طریق پاداش‌ها برانگیخته می‌شوند و جهت پیشرفت تلاش می‌کنند. هنگامی که بین افراد وفاق و همدلی ایجاد گردد و افراد به واسطه کاری که انجام می‌دهند، مورد تشویق و حمایت چه از لحاظ مادی و چه معنوی قرار گیرند، میل به بهتر انجام دادن کارها در آنها قوت گرفته و خود را نسبت به امور پیش رو مسئول می‌دانند. به طوری که در تحقیقات انجام شده نیز به وجود رابطه مثبت بین انگیزه و مشارکت اشاره شده است (Zali, 1997). رابطه متقابل موجود میان رضامندی و عملکرد، به وسیله متغیردیگری مانند پاداش در یک حلقه اتصال قرار داده می‌شود. آنان معتقدند که عملکرد خوب، منجر به پاداش شده و در نهایت موجبات رضایت خاطر را فراهم می‌آورد.

طبق یافته‌ها عوامل مدیریتی یکی از عوامل پیش برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران محسوب می‌شود. با یک نگاه اجمالی می‌توان دریافت که امروزه هزینه‌های بسیار سنگینی به واسطه فقدان روحیه مشارکتی و مسئولیت‌های اجتماعی بر مدیریت شهری تحمیل می‌شود و این نکته بیانگر این مهم است که با توجه به امکانات و منابع موجود راهی جز مشارکت شهروندان در اداره شهر نیست. قطعاً بدون تلاش مجموعه مدیریت شهری و مهیاسازی مقدمات، این امر امکانپذیر نخواهد بود. مدیریت شهر فقط مدیریت بر مکان‌ها، فعالیت‌ها و کالبد شهر نیست، بلکه مدیریتی است که با همه ابعاد زندگی شهروندان ارتباط

که مقرر می‌دارد: «هر فرد حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت کند، از هنرها برخوردار شود و در توسعه و گسترش علم و مزایای آن سهیم باشد». در توسعه فرهنگی، سهم اساسی را دولت باید ادا کند، اما از آنجایی که مقوله فرهنگ یک موضوع پیچیده و متنوعی است، جز با مشارکت همگانی تحقق نمی‌یابد (Kousari et al, 2000). ارتقای خودآگاهی شهروندان یکی از پارامترهای مهم در توسعه فرهنگی محسوب می‌شود.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش عوامل فناوری را به عنوان یکی از عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران معرفی نمود. در این رابطه باید اذعان نمود که دولت‌ها شدیداً به سمت به‌کارگیری کاربرهای دولتی اینترنت پیش می‌روند. به طوری که بارها گفته شده است یکی از مواردی که در همه ابعاد همچون ابعاد تربیتی، اخلاقی، آموزشی و... نیازمند آن هستیم، تغییر در الگوی رفتارهاست که یکی از بسترهای این تغییر همین فناوری اطلاعات است. در کشورهای پیشرفته، دولت سایت‌های ورودی برای دسترسی مراجعان و شهروندان به اطلاعات و خدمات آنلاین را توسعه داده‌اند (Musso and Wearer, 1999). پذیرش فناوری بیانگر آن است که کارگزاران برگزیده و گردانندگان سطح بالای دولت، تحت تأثیر پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه فناوری قرار گرفته‌اند که توانایی فناوری در کاراترکردن و جوابگو بودن دولت را ستوده و مشارکت شهروندان را با جذاب‌تر ساختن اطلاعات سیاسی، کاهش هزینه‌های مشارکت و خلق موقعیت‌های بیشتر برای درگیر شدن در آن تقویت می‌کنند (Council ; 1995, Grossman, 2002). بحث عمده بر تأثیرات اینترنت و دیگر اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی بر مشارکت سیاسی به عنوان رقابتی بین نظریه‌های تقویت و بسیج، به صورت گسترده‌ای شکل گرفته است (Danziger, 1982). فرضیه تقویت بیان می‌دارد که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، از توزیع کنونی قدرت سیاسی حمایت می‌کنند. به دلیل آنکه اشخاص و گروه‌های مؤثر که در حال حاضر در روند سیاسی فعال هستند، قادرند انتشار، طرح و استفاده از فناوری‌های جدید را کنترل و از علائق پایدار خود حمایت کنند. در مقابل، فرضیه بسیج

در حکمرانی خوب شهری، استفاده دقیق از نظرات مردمی و دخیل شدن کامل آنها در کنش‌های شهری مطلوب است و این مهم مقدور نخواهد شد مگر با طی کردن پله‌های مشارکت، از مشارکت ظاهری و ورود ظاهری مردم به فعالیت‌های شهری تا کنترل و اقتدار مردمی. از سویی مشارکت مردمی یکی از ابزارهای با اهمیت مقتدرسازی است. مقتدرشدن مردم برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های خود و برآمدن از آنها به وسیله مشارکت و ورود مردم به چرخه امور محله‌ای و شهری ممکن خواهد شد. هرچند در پاره‌ای از پژوهش‌های علوم سیاسی، ذکر شده است که مشارکت مردمی و نظر جمعی الزاماً منجر به بهترین تصمیم نخواهد شد و پاره‌ای از محققان، مشارکت مردمی را کارا نمی‌دانند. اما در محیط‌های شهری که نتایج مداخله در آن غیرقابل پیش‌بینی است و احتمال بروز هر نوع تغییر اجتماعی، محیطی و اقتصادی به واسطه تغییر در مولفه‌ای دیگر وجود دارد، مشارکت مردمی بستری مناسب برای هدایت تغییرات آتی و پذیرش حوادث ناخواسته از تغییرات است. در این میان مشارکت مردمی در ابعاد مختلف رسمی و غیررسمی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناخته شده است.

### نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که هفت عامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فناوری، انگیزشی، مدیریتی و آموزشی از جمله عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌باشند به طوری که سهم عوامل اجتماعی ۳۵/۲ درصد، عوامل اقتصادی ۱۷/۵ درصد، عوامل فرهنگی ۱۱/۸ درصد، عوامل فناوری ۱۰/۶ درصد، عوامل انگیزشی ۹/۳ درصد، عوامل مدیریتی ۷/۷ درصد و عوامل آموزشی ۷/۲ درصد بوده است. بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد عوامل بازدارنده و پیش‌برنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران از نظر جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما از نظر سابقه شغلی و منطقه، تفاوت معناداری بین برخی از گروه‌ها وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود که تا شهرداری

مستقیم دارد. نکته اساسی در تأکید به سرمایه‌گذاری مدیریتی شهری بر آگاهی‌های عمومی این است که در جریان این آگاه‌سازی و جلب اعتماد مردم و بهره‌گیری از مشارکت آنها، شهروندان نیز به مسئولیت‌ها، تکالیف و وظایف خود آگاه خواهند شد. در حقیقت هر قدر در افزایش آگاهی شهروندان تلاش کنیم آنها مسئولیت‌پذیرتر خواهند شد و این تنها راه افزایش مشارکت مردم و اعتماد سازی است.

یافته‌ها نشان داد که عوامل آموزشی یکی از عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌باشد. آموزش نقش بسیار مهمی در ارتقای سطح توانمندی‌های افراد جامعه به ویژه زنان برای تصدی و قبول مسئولیت‌های مختلف دارد همچنان که امیل دورکهایم (Emile Durkheim) می‌گوید: آموزش، فرایندی است که زنان از طریق آن شیوه‌هایی را می‌آموزند که در اجتماع یا گروه، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فکری دارای کارکردهایی هستند. از طریق آموزش نحوه مشارکت و آگاهی‌های لازم برای زنان به وسیله رسانه‌ها (مطبوعات، صدا و سیما و سازمان‌ها، نهادهای گوناگون، آموزش و پرورش و آموزش عالی در قالب متون درسی و واحدهای درسی) انجام پذیرد تا زنان جامعه از همان دوران تحصیل، آمادگی‌های لازم برای انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را کسب کنند (کیان، ۱۳۸۹). رسانه می‌تواند بهترین بسترسازی را برای گسترش آموزش شهروندی داشته و در این زمینه تأثیرگذار باشد. رسانه‌هایی که در حوزه آموزش شهروندی می‌توانند ایفای نقش و وظیفه کنند به چند گروه تقسیم می‌شوند که می‌توان به رسانه‌های نوشتاری (مکتوب)، دیداری و شنیداری، محیطی و مجازی اشاره کرد. این دسته‌بندی نمونه‌ای از آرایش رسانه است که پیش روی سیاست‌گزاران، برنامه‌ریزان و فعالان حوزه اجتماعی و فرهنگی قرار دارد که می‌توانند برای تبدیل انسان شهرنشین به شهروند از این رسانه‌ها کمک بگیرند (محکی، ۱۳۹۰).

سخن آخر اینکه، برای دستیابی به حکمروایی خوب شهری، مشارکت فعال مردمی یکی از اصول اساسی است. در این میان این مشارکت شکل نمی‌گیرد مگر با برقراری ارتباط صحیح میان حکومت و مردم و شفاف‌سازی کانال‌های ارتباطی.

## References

- Abaszadeh M., (1998), Deterrent factors in civic participation in Isfahan city, PhD thesis, Dept. of Social sciences, Isfahan University, unpublished.
- Akbari A., (2007), sociology of the role civic participation in the personals of Bonyad Shahid, MSC thesis, Islamic Azad University, Roodhen, unpublished.
- Alavi Tabar A., (20001), The sample of civic participation in management of the cities, Municipality Organization report.
- Ansari M., (2006), the role civic participation in the unity of society, Journal of media culture.
- Azkeya M., and Ghafari M., (2001), study on the relation of civic participation and society unity in the villages of Kashan, Journal of Agriculture Economic, Vol.9, No.365, pp.54-67.
- Brandon, B. H. and R. D. Carlitz, (2003), Online Rulemaking and other Tools for Strengthening our Civil Infrastructure. Administrative law Review forthcoming.
- Brehm, J. & W. Rahn, (1997), Individual Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital. American Journal of Political Science, Vol. 41(4): 888-1023.
- Chiodo John J & Martin, Leisa A., (2005), What Do Student Have to Say About Citizenship? An Analysis of the Concept of Citizenship among Secondary Education Students. Journal of Social Studies Research. Manhattan: Spring 2005. Vol. 29. No 1. P 23-31.
- Cramb, R., (2006), Participation in Community Land care Groups: A Social Capital Perspective, Philippine-Australia. Land care project, Working Paper Number 6.
- Fincham David, (2007), Citizenship and Personal, Social and Health Education in Catholic Secondary Schools: Stakeholders' Views. Pastoral Care in Education: An International Journal of Personal, Social and Emotional Development, June 2007, Vol.25, No.2, PP: 22-30..
- Huntington S., (1987), Political Order in Changing Societies, Translated to Persian by Salasi, Elm Press.
- Jafari M., (1995), pioneer culture and non-pioneer culture, Elmi and Farhangi press.
- Kousari M., and Nejati M., (2000), Tehran cultural participation.
- Koutselini Mary, (2008), Citizenship Education in Context: Student Teacher Perceptions of Citizenship

امکانات آموزش عمومی برای تمام اقشار جامعه فراهم نماید؛ تجربه کار گروهی را بین ساکنان منطقه ایجاد نماید؛ با احترام قائل شدن برای حقوق شهروندان، احترام اجتماعی را در بین افراد تقویت نماید و شهروندان را نسبت به مسائل شهر خود مسئول بار آورد؛ با ایجاد جاذبه‌های اقتصادی می‌توان شهروندان را به مشارکت در فعالیت‌های شهرداری تشویق نمود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل فرهنگی یکی از عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا شهرداری فرهنگ عدم تفاوت زنان و مردان در مشارکت شهری را تقویت نماید تا از این طریق، شهروندان به مشارکت در امور جامعه‌ای که خود خالق و آینده ساز آن هستند، بپردازند.

همچنین عوامل فناوری یکی از عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا شهرداری کلاس‌های آموزشی جهت الکترونیکی شدن کارها، دایر نماید و مهارت‌های ICT را جهت استفاده از خدمات الکترونیک در شهروندان نهادینه کند. برای این منظور ایجاد فضاهای مناسب در پارک‌ها برای ارائه آموزش‌های لازم به مردم توصیه می‌شود. با توجه به نقش انگیزه در مشارکت، پیشنهاد می‌شود تا شهرداری ایده‌های جالب شهروندان را تشویق نماید. امکانات و خدمات بهداشتی و تفریحی مناطق را گسترش بخشد. توانمندی‌ها و تخصص افراد را شناسایی نموده و از آنها بهره‌گیری مناسب نماید. به ایجاد تشکل‌هایی جهت تبادل نظرات و دیدگاه‌های شهروندان منطقه مبادرت ورزد. از طرفی عوامل مدیریتی یکی از عوامل پیش‌برنده و بازدارنده آموزش و مشارکت مردمی در فعالیت‌های شهرداری تهران می‌باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا شهرداری با بررسی دقیق پیشنهادات و رسیدگی به مشکلات شهروندان، اعتماد بین خود و آنها ایجاد نماید.

- in Cyprus. *Intercultural Education*, Vol 19, No 2. PP: 163-175. April 2008.
- Leenders H.; Veugelers, W.; De Kat, E, (2008), Teachers' Views on Citizenship Education in Secondary Education in the Netherlands. *Cambridge Journal of Education*, Vol. 38, No 2, 155-170.
- Lewin, K., (1947), Defining the Field at a Given Time" *Psychological Review*, Resolving social conflicts & Field Theory in social sciences. *J American psychological Association*. Vol.50, 292-310.
- Mahaki A., (2011), Public media and civic education, *Hamshahri newspaper*.
- Musso, J. A. C. Wearer, (1999), Designing web Technologies for Local Governance Reform: Good Management or Good Democracy? *Political communications*. No 17, 1-19.
- Niazi M., (2002), Deterrent factors in civic participation in Kashan city, PhD thesis, Dept. of Social sciences, Isfahan University, unpublished.
- Noroozi N., Saremi A., and Salehi F., (2008), Deterrent factors in civic participation in police departments in NE of Tehran, *Journal of police management*, Vol.3, No.1, 54-68.
- Osler, A. & Starkey, H. (2005), Study on the Advances in Civic Education in Education Systems: Good practices in industrialized countries. London: Centre for Citizenship and Human Rights Education University of Leeds, UK and Institute of Education University of London, UK. Report prepared for the Inter-American Development Bank Education Network of the Regional Policy Dialogue.
- Putnam, R.D, (1995), Bowling Alone: America's Declining Social Capital, *Journal of Democracy*, Vol.6, 65-78.
- Rabbani R., Abaszadeh D. and Vahid Gh., (2007), the role public welfare in the civic participation in Isfahan, *Journal of Social Sciences of Mashhad University*, and Vol. fall, 73-99.
- Smith, R. S., (2006), Discerning differences in social capital: The significance of interpersonal networks and neighbourhood association structure of citizen participation (Dissertation). Indiana University.
- Soudagar M., (2012), defining the motivating and deterrent of education in increasing of civic participation in Tehran municipality activities, MSC thesis, Dept. of Educational Management, Azada University, Central Tehran, unpublished.
- Toosi M., (1993), Participation in management, Educational Center of state management, Tehran, Internal report.
- Verdinejad F., (2008), Citizen, Citizen Right and Civic participation, [www.verdinejad.com](http://www.verdinejad.com)
- UNESCO, (1999), Culture and Development, Translated to Persian by Fazeli, Centre of basic research.
- Uslaner, E.M., (1997), Faith, Hope, and Charity: Social Capital, Trust, and Collective Action, University of Maryland. College Park manuscript, Available online at [www.Marylanduni.com](http://www.Marylanduni.com). Last accessed Dec 2008.
- Yazdan Panah L., (2009), Civic participation in Tehran, *Journal of Civic welfare*, Vol.7, No.26, 105-130.
- Zali M., (1997), The role of participation of teachers in management of girl high school in Tehran, MSC thesis, Shahid Beheshti university, unpublished.
- Zarea S., Namiranian M., and Ghasemi J., (2010), the role civic participation in the saving of parks (Tehran), *Iranian Journal of Forest*, Vol.2, No.4, 273-285.